

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 13 (48), Autumn 2023 https://lyriclit.iaun.iau.ir/ ISSN: 2717-0896
----------	---

Research Article

Survey and Criticism of Saqi Nameh by Toghray Mashhadi

Mortazavi, Zahra

Lecturer, Department of Persian Language and Literature, Isfahan Branch, Islamic Azad University,
Isfahan, Iran.

Noorian, Seyed Mahdi (Corresponding Author)

Professor, Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University,
Najafabad, Iran.

E-Mail: drnureian@gmail.com

Chatraei, Mehrdad

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Abstract

Toghray Mashhadi's Saqi-nameh is one of the literary genres that received a lot of attention, especially in the Safavid era, and detailed Saqi-namehs, often in imitation of Torshizi's Saqi-nameh which were written in this era. Toghray Mashhadi, a prolific and capable poet of the 11th century, wrote a Saqi-nameh in nine thousand verses, which is considered the most detailed Saqi-nameh in the Persian language. He has included terms from popular culture as well as sciences such as music and botany in this Saqi-nameh with a noble imagination and created original poetic images. The deviation from norms of Toghray Mashhadi, especially in the use of Indian words, has attracted the attention of anthologies writers. Due to the fact that Saqi-nameh of Mashhadi has not been widely criticized, the present study tries to analyze the stylistic and linguistic features of this work in detail and show the innovations of it by relying on two old versions of his masterpiece.

Key Words: Saqi Nama, Toghray Mashhadi, Indian language and culture, stylistics.

Citation: Mortazavi, Z.; Noorian, S.M.; Chatraei, M. (2023). Survey and Criticism of Saqi Nameh by Toghray Mashhadi. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 13 (48), 8-23.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



نقد و بررسی ساقی‌نامه طغرای مشهدی

زهره مرتضوی بیستگانی^۱

سید مهدی نوریان^۲

مهرداد چترایی^۳

چکیده

ساقی‌نامه از گونه‌های ادبی است که به‌ویژه در عصر صفوی مورد توجه قرار گرفت و ساقی‌نامه‌هایی مفصل، اغلب به تقلید از ساقی‌نامه ظهوری ترشیزی، در این روزگار سروده شد. طغرای مشهدی، شاعر پرکار و توانای سده یازدهم در کنار دیوان و رسائل، ساقی‌نامه‌ای در نه هزار بیت سروده است که مفصل‌ترین ساقی‌نامه زبان فارسی به شمار می‌رود. با توجه به این که ساقی‌نامه مذکور تاکنون مورد نقد و بررسی قرار نگرفته، پژوهش حاضر کوشیده است تا با تکیه بر دو نسخه کهن از آن؛ یعنی نسخه خطی ساقی‌نامه به شماره ۱۶۷۷۱ کتابخانه ملی و نسخه خطی کلیات اشعار طغرای مشهدی به شماره ۳۲۱ دیوان هند در لندن که تصویر آن در کتابخانه دانشکده ادبیات دکتر شریعتی دانشگاه فردوسی نگهداری می‌شود، به بررسی ویژگی‌های زبانی و محتوایی شعر وی بپردازد. نتایج نشان می‌دهد که طغرا در این ساقی‌نامه با کاربرد گسترده زبان هندی، فرهنگ عامه، و نیز اصطلاحات فنون مختلف، به ظرفیت‌هایی بدیع در تصویرآفرینی دست یافته، به‌ویژه که محمل آن طبیعت دلنشین شبه قاره و قوه خیال خود اوست. محتوای ساقی‌نامه طغرا بسیار متنوع است؛ از ستایش پیامبر و ائمه تا شهرآشوب و وصف آلات و نغمات موسیقی، و نکته‌سنجی‌هایی در نقد ادبی را شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شعر فارسی، فرهنگ و زبان هندی، ساقی‌نامه، طغرای مشهدی.

۱. دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) drnureian@gmail.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۰

۱. مقدمه

ساقی‌نامه‌سرایی از سده ششم هجری در اشعار نظامی گنجوی سابقه دارد و پس از او، حافظ و فخرالدین عراقی نیز ساقی‌نامه‌هایی سروده‌اند، اما در عصر صفوی این نوع ادبی به‌ویژه در شبه قاره، از انواع محبوب شمرده می‌شد. در این عصر اغلب شاعران ساقی‌نامه‌هایی از چند بیت تا چند هزار بیت، در بحر متقارب مثنی محذوف و یا مقصور و نیز ترکیب‌بند و ترجیع‌بند سروده‌اند، چنان که همت خان، مجموعه‌ای قریب به صد و بیست ساقی‌نامه، به نام «خمکده» فراهم آورد و ملا عبدالنبی فخرالزمانی، «تذکره میخانه» را درباره ساقی‌نامه‌گویان تا زمان خود، با ترجمه حال و ذکر ساقی‌نامه ایشان نگاشت (گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۳). اصول ساقی‌نامه بر خوش‌باشی خیام‌گونه است که بر ناپایداری دنیا و شکوه از اهل زمانه و نامردمی‌های ایشان و گریز از زاهدان ریایی و البته عبرت از رفتگان استوار است و اغلب دارای رگه‌هایی از جهان بینی عرفانی - حکمی است. در ساقی‌نامه است که شاعر از می و میخانه و ساقی علاج کار را می‌جوید و به مستی‌ای پناه می‌برد که به آن بی‌باکانه درونیاتش را سر تواند داد و چون مفصل سروده شود، مجالی برای انواع تلمیحات، به‌ویژه تلمیحات اساطیری تا مدیحه فراهم می‌آورد. اغلب ساقی‌نامه‌های صفوی بر مستی‌ای عارفانه اشارت دارند که با غنیمت شمردن دم، درگذر از ظواهر، راهبر به عالم معناست.

نخستین ساقی‌نامه مفصل (۴۵۰۰ بیت و ۷۸ عنوان) از آن ظهوری ترشیزی، شاعر توانای سده‌های دهم و یازدهم هجری است که سروده‌اش سرمشقی برای دیگر شاعران هم‌روزگارش گردید، چنان‌که بعدها تذکره‌نویسان از ارجمندی آن یاد کرده‌اند. مولف تذکره لطائف الخیال در ترجمه شاه باقرای مشهدی می‌نویسد: «میخانه کتابی است که در برابر ساقی‌نامه ظهوری فرموده» و نیز مؤلف قصص الخاقانی درباره مؤمن همدانی می‌نویسد: «در برابر ساقی‌نامه حضرت ظهوری مثنوی‌ای دارد قریب به دو هزار بیت» (در بعضی نسخ ده هزار بیت). (گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۹ مقدمه). ساقی‌نامه طغرای مشهدی نیز از این‌گونه تقلیدها به شمار می‌رود که به معرفی آن خواهیم پرداخت.

۱.۱. پیشینه پژوهش

با توجه به تحقیقاتی که در پیشینه این موضوع انجام شد پژوهش‌هایی که درباره طغرای مشهدی انجام گرفته، عبارتند از: علی اصغر فیروزنیا (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود با عنوان «تصحیح و تحقیق دیوان طغرای مشهدی» بر اساس دو نسخه موجود از دیوان به تصحیح دیوان او و تحقیق در شعر و زندگی وی پرداخته است. سید محمد صاحبی (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود با عنوان «تصحیح رسائل منثور طغرا» رسائل این شاعر را تصحیح و سپس چاپ کرده است. محمدحسن حائری (۱۳۸۸) در مقاله «طغرای مشهدی و رسائل او» به بررسی سبک رسائل طغرا در دو سطح زبانی و ادبی و ساختار آنها پرداخته است. محمد ریاض رئیسی (۱۳۵۴) در مقاله «ملاطعرا مشهدی و رسائل تجلیات وی در انشاء» به معرفی این رساله پرداخته است. محمد قهرمان (۱۳۸۴) در کتاب «ارغوان زار شفق» گزیده‌ای از دیوان طغرا را براساس نسخه کتابخانه دیوان هند به چاپ رسانیده و گویا تمامی این دیوان به عنوان رساله دکتری در دانشگاه پیام نور تهران تصحیح شده است. مجید سرمدی (۱۳۹۱) در مقاله «طغرا، نسخه خطی او و شبه قاره» به معرفی طغرا و آثار وی به‌ویژه نسخه خطی دیوانش پرداخته و ارتباط وی را با شبه قاره بررسی کرده است. سعید قاسمی نیا (۱۳۹۶) در مقاله «اصطلاحات بدیع موسیقایی در شعر طغرای مشهدی، یکی از ویژگی‌های سبکی او» کوشش کرده میزان نوآوری و ابتکار طغرا را در کاربرد اصطلاحات بدیع موسیقایی با توجه به شعر گذشتگان و اثر گذاری او بر شاعران پس از خود بررسی نماید. گلچین معانی (۱۳۶۸) در «تذکره پیمانه» و (۱۳۶۹) در «کاروان هند» منتخبی از ساقی‌نامه او را آورده و وی را معرفی کرده است. ذبیح الله صفا نیز در «تاریخ ادبیات در ایران» مطالبی

درباره طغرا ذکر نموده که عموماً منعکس‌کننده نظرات تذکره‌نویسان راجع به طغراست. بر همین اساس در هیچ یک از آثار مذکور به معرفی ساقی‌نامه طغرا و ویژگی‌های آن پرداخته نشده است و مقاله حاضر، نخستین تحقیق در این موضوع است.

۲. بحث

۱.۲. بررسی اجمالی زندگینامه طغرای مشهدی

طغرای مشهدی در اواخر سده دهم در مشهد زاده شد. به روزگار جهانگیر گورکانی (۱۰۳۷-۱۰۱۴ق) به کاروان هند پیوست (مجمع النفایس خطی، به نقل از راشدی، ۱۳۴۶، ج ۲: ۷۳۵) و پس از مدتی منشی شاهزاده مرادبخش، پسر شاه جهان، شد (بلغرامی، ۱۹۱۳: ۱۲۴) و در لشکرکشی این شاهزاده به بلخ رساله مرآت الفتوح را در گزارش این نبرد به نگارش درآورد. در اواخر عمر به کشمیر رفت و سرانجام در همان جا آرام گرفت و در مقبره الشعرا، نزدیک آرامگاه کلیم، بیاسود (بلغرامی، ۱۹۱۳: ۱۲۵؛ اعظمی، ۱۵۲: ۱۳۶۹، ج ۱: ۸۱۵).

قوت طبع و سخنوری طغرا را تذکره نویسان بدین‌گونه سنجیده‌اند: خواجه محمد اعظم شاه کشمیری: «طغرا شاعر خوش‌فکر و معنی‌یاب و منشی طبیعت بود، بیشتر در انشاپردازی اوقات به سر می‌برد، در تعریف کشمیر و راه عبورش رساله‌ای نوشته و داد سخنوری داده، اشعارش نیز خالی از چاشنی مضامین نیست... رقعاتش به طرز خیال‌بندی و تعریفات باغ و اقسام میوه و گل و جام مل و از هر جزو و کل به کمال دلپسندی مشهور ارباب خیال است» (همان). نصرآبادی: «در نظم و نثر کمال قدرت دارد، چنانچه منشآت او به نظر فقیر رسید، طورش قرابتی دارد» (نصرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۶).

خوشگو: «اکثر به طریق و طرز خاص خود هم می‌نگارد و متتبع ملا ظهوری است و اصطلاحات نیز بسیار به کار برده» (خوشگو، ۱۳۸۹: ۴۱۸).

و نیز داوری خان آرزو در مجمع النفایس: «کلیاتش در هندوستان کمال شهرت دارد، علی‌الخصوص منشآت او، دیوان غزل او قریب ده هزار بیت به نظر آمده، قصاید غراً دارد، از آن جمله قصیده‌ای در تعریف راجاجسونت سنگه گفته مشتمل بر الفاظ هندیه...» (مجمع النفایس خطی، به نقل از راشدی، ۱۳۴۶، ج ۲: ۷۳۵)

خان آرزو می‌افزاید که طغرا در بحرهایی که تخلص او موزون نمی‌شده «شیفته» تخلص می‌کرده است (همان)، اما از بیتی که در ساقی‌نامه آمده تخلص «هلاکی» نیز دریافت می‌شود که محتاج بررسی دیوان و رسائل اوست:

زدم ان تخاب از همه عالمش هلاکی تخلص شدم از غمش

(ص ۸۳)

پیش از بررسی ساقی‌نامه طغرا به معرفی نسخه‌های مورد استفاده می‌پردازیم:

۱) نسخه کتابخانه دیوان هند در لندن به شماره ۳۲۱ که تصویری از آن در کتابخانه دانشکده دکتر شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد موجود است. نسخه حاضر کلیات طغرا و شامل: ساقی‌نامه (برگ ۱ الی ۹۵)، قصاید، قطعات، فردیات، مثنویات، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مخمس، غزلیات، رباعیات، رسائل و منشآت است. این نسخه دارای ۴۱۴ برگ بوده (۲۵ سطر ۴ ستونی) و در پژوهش حاضر استناد به آن می‌رود. گرچه تاریخ کتابت ندارد، در مهر ابتدای نسخه رقم ۱۱۳۲ خوانده می‌شود. کتابت آن به خط نستعلیق تحریری و کاتب فقیر کمال الدین حسین است.

۲) نسخه کتابخانه ملی به شماره ثبت ۱۶۷۷۱، داری ۳۲۵ برگ (۱۵ سطر و حاشیه‌نویسی) بوده و برای محمد عاصم جیو در ۱۱۱۵ هجری در هندوستان کتابت شده است.

۲.۲. ساقی‌نامه طغرای مشهدی

به گفته گلچین معانی ساقی‌نامه طغرای مشهدی مفصل‌ترین ساقی‌نامه به شمار می‌رود: «از همه مفصل‌تر ساقی‌نامه طغرای مشهدی است که به روایتی مشتمل بر بیست هزار بیت است، ولی نگارنده نسخه ده هزار بیتی آن را دیده...» (گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۰) و عاشقی عظیم آبادی در این زمینه می‌نویسد: «ساقی‌نامه‌ای دارد در جواب ساقی‌نامه ظهوری مقدار پنج هزار بیت» (عاشقی عظیم آبادی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۸۹). با دستیاب شدن دو نسخه کهن و کامل (از جمله نسخه مورد استناد گلچین معانی) می‌دانیم که ساقی‌نامه طغرا حدود ده هزار بیت و در مدح شاه عباس ثانی سروده شده است:

سرخ را به گهواره کن فکان	به نام شهن شاه وا شد زیان
بهین گوهر درج شاهن شهی	همین اختر برج ظل الملهی
خدایو جهان شاه عباس نام	که هندوی چرخش بود یک غلام

(ص ۸۸)

طغرا رساله پریخانه را نیز در ستایش شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ق) نگاشته است و در همین ساقی‌نامه به تفصیل از مسجد نقش جهان یاد نموده است.

نکته درخور توجه آن که طغرا به شیوه‌ای هنرمندانه با حسن مقطع، هر یک از این عنوان‌ها را به عنوان پسین پیوند می‌زند (مانند حسن مخلص یا حسن خروج در قصیده)، به گونه‌ای که ابیات پایانی یک عنوان در حکم براءت استهلال برای عنوان دیگر است. به عنوان نمونه ابیات پایانی با سرعنوان «به سازندگی وصف حرکات رقاصان...»:

چو محبوب رز چاره سازی کند	سرود مخالف حجازی کند
به من گر بسازد بت شوخ تاک	ز نا سازی روز گارم چه باک

(ص ۵۰)

عنوان پسین آن «به باده ناهمواری روزگار آلات فغان گوناگون برآوردن...»، که موضوعش همان شکوه از ناسازی روزگار در بیت پیشین است.

توجه به واژگان پربسامد در شناخت اندیشه شاعر و نیز ویژگی‌های سبکی سودمند تواند بود. از جمله واژگان پربسامد در ساقی‌نامه طغرا، که البته گاه قابل تعمیم به تمام سبک هندی نیز می‌باشد، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: شفق، جوش، میراب، موج، سایه، پابست، حباب، نزاکت، بخیه، پیشرس، خس، تذرو، تر، آبشار، پاسنگ.

در این ساقی‌نامه بارها از پرتگال نام برده شده که بازتابی از حضور هیأت‌های سیاسی و تجاری غربی در شبه قاره است و این که چنین رویدادی اجتماعی در منظومه فکری شاعر نمود یافته، جالب توجه است:

بت سو سن آهد چو از پرتگال	فرنگی شد از دیدن او شمال
---------------------------	--------------------------

(ص ۸)

فرنگی صفت جام عالمی بده	اگر می‌دهی پرتگالی بده
-------------------------	------------------------

(ص ۵۵)

چو با شی به مجلس نوا سنج تال	توان خواندنن مطرب پرتگال
------------------------------	--------------------------

(همان)

گلچین معانی از ساقی‌نامه میرزا طاهر وحید قزوینی یاد می‌کند که در برابر ساقی‌نامه ظهوری، ساقی‌نامه‌ای در چهار هزار و پانصد بیت سروده است که اگر ابیات مختصری که در ذکر می‌و میخانه و خطاب به ساقی و معنی است، از آن جدا کنیم،

یک شهر آشوب مفصل چهار هزار و سیصد چهارصد بیتی در تعریف اصفهان و توصیف پیشه‌وران و صنعتگران آن است (گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۰)، ساقی‌نامه ظهوری ترشیزی فاقد شهر آشوب است، اما در ساقی‌نامه طغرا شهر آشوب مختصری با لحنی تند خطاب به بازاریان هند آمده که در وصف بقال، قصاب، علاف، طباح، و ده‌ها محترفه دیگر است و هر کدام را در یک بیت برشمرده/ص ۸۶؛ جز این درباره واعظ / ص ۳۹، قاضی، مفتی، صدر، شریر (ملای جاهل)/ص ۴۰، صوفی / ص ۵۷، طبیب / ص ۵۸/ و کاتب / ص ۶۴ نیز به صورت جداگانه و به تفصیل سخن رانده که گاه به طنز می‌گراید. به عنوان نمونه درباره کاتب سروده:

زیاد است سی پاره از م صحفش	ز بس آیه کم می شود در کفش
چو بستان نویسد گلستان کند	اگر کار طفل در بستان کند
به دیگ دواتش توان پخت آش	ز بس می‌کند کلک خود را تراش

(ص ۶۴)

و یا در وصف صدر:

کند بو توقع از آن چون بی‌هی	گل کاغذین گر به دستش دهی
غزازه شود سر ز غوغای او	به دارالقصا چون رسد پای او
دو صد کیسه بر هر سند دوخته	سند های مردم گر اندوخته

(ص ۴۰)

اکنون به بررسی دیگر ویژگی‌های بارز این منظومه مفصل می‌پردازیم:

۱.۲.۲. بررسی جنبه‌های بلاغی ساقی‌نامه طغرا

از لحاظ بلاغی در ساقی‌نامه طغرا تشبیه و استعاره، اغلب به صورت ترکیب اضافی، بیش از صنایع دیگر کاربرد دارد؛ زیرا شاعر سبک هندی با گرایش به اصالت تصویر توأم با ایجاز لفظ، موجد خلق معانی بیگانه و نیز بسامد یافتن ترکیب‌های بدیع و نوساخته، اغلب دارای ساختار اضافه استعاره یا اضافه تشبیهی شده است، که همین ویژگی گاه تعقید و پیچیدگی شعر را به دنبال دارد. از جمله ترکیب‌های مورد استفاده طغرا در ساقی‌نامه که بیانگر نوآوری او در خیال‌اندیشی است، می‌توان به این موارد اشاره نمود: جویبار شفق، رنگین تذرو حباب، شیشه‌های حباب، وحدت آباد کرخ، تال نیلوفر، سبوی شفق، جغد غم، کوچه نی، شط نغمه، طفل ننگه و یا ترکیب‌سازی با گل، که دارای بسامد است: گل صوت، گل نغمه، گل جام، گل آفتاب، گل سایه، گل ابر، گل ترده‌ماغی، گل ماهتاب، و نیز ترکیب‌هایی با بیش از دو واژه: حسن شب افروز لیلی داغ، حور فردوس پوش، موج خیز بهار، چشمه جان سرشت، ماتم فروز بقا، و ترکیب‌های انتزاعی خوش‌ادا: والا نگاه، خدایاب، نظرسوز، گهرسنج، نشئه زار.

استعاره‌های ترکیبی برای می، بیانگر وجه دیگری از جلوه شاعری طغراست که می‌تواند معیاری برای سنجش قدرت تخیل او با دیگر ساقی‌نامه سرایان باشد: آب رحیق، زلال عقیق، رخس صهبا لقب، لعل یاقوت کار، آتشگه، آب یاقوت، داروی بیهوشی، آتش آب رنگ، قرمزی آفتاب، گل شادی، آتش تر، مرجان، آب قرابه جوی، آبی وجود آتش مزاج، لعل بگداخته، آب کوثر لقب، تلخ شیرین نظام، آتش آبدار، نور بگداخته.

در این منظومه مفصل گاه تکرار در تشبیه یا استعاره نیز دیده می‌شود:

نوا ترد ماغ گل می شده	سرا سر رو کوچه نی شده
-----------------------	-----------------------

(ص ۴۳)

بت نغمه ام شب سبک پی شده
سرا سر رو کوچۀ نی شده
(ص ۷۳)

ه غنّی ه جو بی صرا حی نوا
کز او کوچۀ نی بود با هوا
(ص ۱۷)

که گذشته از تکرار مصراع دوم، ترکیب «کوچۀ نی» هم تکرار شده است.
اما از هنرنمایی‌های طغرا کاربرد ایهام تناسب در ساقی‌نامه است که خوش نشسته و معیاری برای سنجش قوّت شاعری اوست:

دو زلفی که یک چین او صد ختن
ف شانند به جیب خ طایی بدن
(ص ۴۷)

ز ترنغمه‌اش عود تملوا سه کرد
که طنبور را خاک در کا سه کرد
(ص ۱۹)

ز بس این جوان گشته والا مقام
زندد ست در دامنش پیر جام
(ص ۱۸)

«این جوان» استعاره از «کدو» است و نیز این تناسب هنرمندانه:

ز یک ترک می توبه کردم سه بار
که دیو خ مارم نه گردد دو چار
(ص ۳۱)

دو مورد اقتباس آیات قرآن دارد:

ز قرآن ببین آیت از ما
که خوانی علمی را ولی خدا
(ص ۲۵)

صراحی چو قلقل کند پی شرو
قل المروح من امر ربّی شنو
(ص ۱۶)

بیت نخستین به آیه ۵۵ سوره مائده و بیت دوم به آیه ۸۵ سوره اسراء اشاره دارد.

تلمیح به داستان انبیاء و در مرتبه بعد اساطیر ایرانی کاربرد گسترده‌ای در ساقی‌نامه طغرا دارد؛ اما این کاربرد اغلب با آمیختگی داستان با طبیعت، صورتی شاعرانه و خیال‌انگیز یافته است؛ به عنوان نمونه داستان یوسف را این‌گونه بازآفرینی می‌کند:

زلیخای ز سرین به گلچین شدن
در آویخت با یو سف ز سترن
چو این غنچه در یافت زان گل ابا
برآ شفت نزد عزیز صبا
که آن نونهال صباحت سر شت
درآهد بدین سبز کاخ به شت
به شاخ تمنای من دست برد
طپاند چه ز سرپنجه برگ خورد
شکرریز شد یو سف ز سترن
که از کودک غنچه بشنو سخن
(ص ۷)

طغرای مشهدی از شاعران استاد در سبک هندی به شمار می‌رود، که به‌ویژه چون بخش اعظم زندگانی‌اش در هند سپری شده، مطابق ذوق عمومی عصر، منظومه خیالش سرشار از مضامین این سبک است، چنان‌که حتی در ساقی‌نامه که بنای آن بر

ساده‌گویی و ذکر صمیمانه تمنیات و مکنونات قلبی است، گاه دچار پیچیده‌گویی شده و شعرش با نمونه‌های دور از ذهن در سبک هندی پهلو می‌زند:

ز آوازش افروختن می چه کد (ص ۴۶)	ز صوت ترش سوختن می چه کد
کنند بر سرش پنبه کار تذر (ص ۴۳)	ز بس می‌نهد شی‌شه پا همچو سرو
که رنگ نزاکت ز بویش چه کید (ص ۳۷)	ز سیمش چنان تنگ در بر ک‌شید

۲.۲.۲. عرفان در ساقی‌نامه طغرا

در ساقی‌نامه طغرا برخلاف ساقی‌نامه ظهوری عرفان نمود چشمگیری دارد و شاعر پی در پی به خواننده متذکر می‌شود که می و ساقی و خرابات او «آن سری» است و جلوه‌ای از آن جهان آرمانی است که اساس آن بر یکرنگی و ترک تعلقات نهاده شده:

شرابی ز هر سو تجلی ن‌سق شرابی ز سیمش بهار آفرین شرابی که در بزم‌گاه است شرابی چون نور خدا منجلی	شرابی پ‌سر خواننده نور حق شرابی شده‌یش نگار آفرین از او شاهد لم یزل گشته است به بوی محمد به رنگ علی (ص ۱۴)
--	--

و در وصف اهل خرابات می‌سراید:

همه چون سبو عابد بی‌ریا صمدخوان می‌خانه از جام هوش پی حفظ و حدت سرای جهان همه مجرم بزم‌گاه است	شب آه‌نگ ورد غم کبریا ز عرش خم باده عبدی نیوش تنی چند از ایشان بود چل‌تنان ز پیه‌خانه ساقی عشق است (ص ۴۳)
---	---

فنای خویشتن با باده عشق، آغاز کمال خراباتیان است؛ زیرا ناموس ننگ و زهد ریایی همه برخاسته از خودبینی است و آنگاه که خودی از میان برخاست، شاهد معنی رخ می‌نماید. به همین دلیل در اغلب ساقی‌نامه‌ها ستایش بی‌خویشی، یا به دیگر بیان تهی شدن از خود و پر شدن از محبوب ازلی یاد می‌شود:

ز خود دور گ‌شتم دو صد نعره وار ز شد از خودی در طلب کار پیش نیایم خدا را به هر جا خودم	که یک گام نزدیک با شم به یار ز دست خودی می‌کنم ترک خویش خدا نیست با من اگر با خودم (ص ۵۶)
---	--

طغرا بارها همچون دیگر ساقی‌نامه سرایان به زاهدان ریایی و واعظان مرائی تاخته، اما از ریای بر خویش نیز بی‌مناک است:

ریا د شهنم ساقیا از ازل
چو سان در دلم جا گرفت این دغل
می‌ای ده که در دل بسوزد ریا
چو در خانه از آتشی یوریا
(ص ۶۰)

طغرا شاعری شیعی با گرایش‌های صوفیانه است و در ساقی‌نامه به تفصیل به ستایش پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام حسین (ع)، امام رضا (ع) و در بخش‌هایی مستقل از شیخ احمد جام، قاسم انوار و حتی حافظ، که از منظر او عارفی والامقام است، یاد می‌کند:

چو حافظ مقام طریقت گزید
به داهان او چنگ زد با یزید
ندایی که من صور از آن شد خراب
نموده ترنم به صد آب و تاب
ز عرفان دهد نکته سنج علوم
دهد درس و حدت به هلائی روم...
(ص ۸۲)

و در انتها با حسن مقطعی التفات‌گونه به مقام حافظ در سخنوری اشاره می‌کند و سپس به تعریف سخن می‌پردازد:

مغنی ز اشعار حافظ بخوان
که یابی مقام سخن پیوگان
(همان)

گفتنی است طغرا رساله جوش بلبل/آهنگ بلبل را در تعریف و بیان حقایق شعری و روحانی سروده‌های حافظ نگاشته است.

اصطلاحات و ترکیب‌های عرفانی و نیز ذکر مشایخ در سروده‌های طغرا فراوان آمده که این سبب توجه خواننده به وجه معنوی ساقی‌نامه می‌شود. طغرا با نگاه مطلق عرفانی، کمال شریعت و علوم دیگر را در پیوند آنها با معرفت می‌بیند و این عرفان‌زدگی محض‌انگه که در قالب ساقی‌نامه جلوه کند، قالبی که اساس آن بر گریز از عقل و مستی‌گزینی است، به خوارداشت خرد و حکمت می‌انجامد:

کسی کو فقیر طریقت نشد
م‌سایل شناس شریعت نشد
حکیمی که از معرفت دور ماند
به نزدیک ارباب دل کور ماند
قدیم است گر حاشیه ور جدید
ز حکمت پرستان نباید شنید
حکیمی که سوی ریا ضی شده
به هیچ از فن علم را ضی شده
منجم که آورد رو در کتاب
عبث کرد در باب انجم - سب
(ص ۳۱)

۳.۲.۲. کاربرد اصطلاحات هندی

طغرا، سالیان بسیار در هند زیسته و در همان‌جا آرمیده و رسائلی را به‌ویژه در توصیف کشمیر نگاشته: رساله تجلیات که در آن بهار و خزان دره کشمیر را به نیکویی وصف کرده؛ رساله تعداد النوادر در وصف کشمیر و هشت منزل راه آن؛ فردوسیّه در وصف کشمیر، گل، سبز، آبشار، باغ، و کوهستان و شاه جهان؛ مجمع الغرایب/ مجمع البحرين در تعریف چشمه کمام/کم کشمیر؛ جز این اشارات پراکنده‌ای در ساقی‌نامه‌اش به طبیعت کشمیر و هندوستان دارد:

اگر شهر سبزی بود در جهان
نبا شد بجز ملک هندوستان
به شتی است آن سرزمین طرب
که داده جهانگیر هندیش لقب
(ص ۸۵)

با این همه با مردمان این دیار به‌ویژه شاعران و بازاریانش سر ناسازگاری دارد:

به هندی و ک شمیری ار وار سی	همه دزد ها ئند در فار سی
سخن چون از این فرقه گردد خلاص	که دزد سخن را نیا مد ق صاص
(همان)	
ز بن گاله تا احد آباد و سند	شدم کو چه پیمای هر شهر هند
ولی برنخوردم به یک مرد را ست	ز کج طینستان گر بنالم روا ست
خ صو صاً ز بازار بیان د غل	که بی جنس گیرند نقد از بغل
(۸۶)	

خان آرزو به کاربرد اصطلاحات هندی در آثار طغرا اشاره دارد: «اگرچه در اشعار دیگرش نیز عمداً این الفاظ آورده، نثر او نهایت رنگین است، عباراتش به سبب کثرت الفاظ هندی بعضی از جاها بی‌رتبگی دارد...» (نقایس المآثر خطی، به نقل از راشدی، ۱۳۴۶، ج ۲: ۷۳۵). گرچه این کاربرد کم و بیش در سروده‌های دیگر شاعران متوطن هند نیز دیده می‌شود، اما با توجه به بسامد آن در سروده‌های طغرا می‌توان آن را در شمار ویژگی‌های سبکی آورد، چنان‌که در فرهنگ چراغ هدایت درباره‌ی وجه چهارم از اشتراک لغات فارسی و هندی یادآور می‌شود: «چهارم، التزام باشد، چنان‌که در اشعار ملا طغرا که الفاظ هندی را عمداً در شعر خود آورده» (اکبرآبادی، ۱۳۶۳: ۱۰۱۸). در فرهنگ آندراج نیز برای برخی واژگان هندی از طغرا شاهد آمده که به برخی از آنها اشاره می‌رود. دیگر آن که این کاربرد را اغلب می‌توان در نام گیاهان، نغمات، نواحی و مشاهدات در شبه قاره مربوط دانست، و چنان‌که عاشقی عظیم آبادی نوشته طغرا «در مقامات حجازی و عراقی بسا ماهر بود» (عاشقی عظیم آبادی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۸۸). برای نمونه: نغمه‌ها و سازهای هندی:

بود کیت نزد طرب سنج رود	در این ک شور ذوق نام سرود
شمارند چنترنوازان شنگ	به هندوستان نغمه را راگ و رنگ
تفاوت گر از راگ تا رنگ ه ست	به صوت بلند است و آواز پ ست
(ص ۶۶)	

راگ و رنگ: «لفظ اول هندی الاصل است و دوم مشترک در هندی و فارسی و هر دو معاً در هندی کنایه از صحبت نغمه و سرود عیش و طرب بود و مردم ولایت که به هند آمده یا نیامده‌اند و همان‌جا شنیده‌اند این لفظ را بسیار در اشعار خود آورده‌اند و اشارت به هندی بودن آن نکرده... و در رساله‌های ملا طغرا نیز واقع شده و او در هندوستان آمده» (آندراج: ذیل راگ و رنگ).

جَنتر: «لفظ هندی است، نام سازی است که آن را «بین» نیز گویند و شکل او با ترازو مشابهت دارد و آن چوبی باشد مثل گردن تنبوره و زیر هر دو سر آن کدوی مدور وصل کرده باشند و بر آن چوب که بالای هر دو کدو باشد مثل تنبوره تارها کشند، پس آن چوب به منزله شاهین ترازوست و هر دو کدو به منزله هر دو پله...» (آندراج: ذیل جنتر).

چه مندل شود هم فغانت چه تال	به از دف بود نزد ار باب حال
(ص ۲۶۴)	

تال: «نام سازی است در هند که از روی سازند و آن دو پیاله کوچک کم عمق باشند از برنج که هنگام رقص و سرود با هم زنند و به صدای آن اصول سرود نگاه دارند و این لفظ هندی است و نوازنده آن را تال زن خوانند» (آندراج: ذیل تال).

گیاهان هندی:

ز تنبولی ام چونه‌وش داغ ریخت که با من بود چون سپاری زمخت
(ص ۸۶)

تنبول: «برگی است که در هند با فوفل و آهک بخورند و لب سرخ کند و دندان را پاک دارد» (آندراج: ذیل تنبول).
ر سد کتلهش همچو گردون بسی هلالش بود کیله نار سی
(ص ۹۲)

کتهل: «درختی است هندی که از ثمره آن نان پزند» (فرهنگ نفیسی: ذیل کتهل)
چو پان خورده سبزان هندی به دشت لب آهوان از چرا سرخ گشت
(ص ۷)

پان: «برگی است معروف در هند که با فوفل و کات و نوره خورند و تمام سال سبز ماند» (آندراج: ذیل پان).
به هندوستان چرخ ناگشته اهل به کام نگرید چون رخ بهل
(ص ۸۷)

گاو بهل: «ارابه گاو که اکثراً به کار سواری آید.. و این در اصل هندی است».
چو آید به د ستم کمر گاه یار کنم قالب خود تهی بهله وار
(ص ۶۹)

بهله: «در هندوستان خریطه طوری را گویند که همراه اهل دول باشد و زر خیرات و کاغذهای ضروری در آن بود، لیکن بدین معنی در کتب لغت و تواریخ یافت نشد» (آندراج: ذیل بهله).

ز نازک میانی شده قیزه بند به برج سرین دیده ز این ره کمند
(ص ۶۶)

قیزه بندی: «بستن پارچه بر عورت و بند کردن سر دیگر آن به طرف سرین در کمد و قیزه بند را لنگوته بند نیز می گویند»، سپس همین بیت ساقی‌نامه را شاهد مثال می آورد (آندراج: ذیل قیزه بندی).

چ سان حور پیگو بود زرد فام کزو یافت صهبای یاقوت جام
(ص ۱)

پیگو: «نوعی آبگینه که در ملک پیگو سازند و سبز رنگ می باشد؛ مانند زمرد» (آندراج: ذیل پیگو).
چو با پالکی نیست آرای شی نزی بد به کهار فرهای شی
(ص ۷۸)

پالکی: «مرکبی است مخصوص هند که امرا و اغنیا بر آن سوار شوند» (آندراج: ذیل پالکی).
کهار: «قومی از هنود که پالکی یا تخت و امثال آن را بردارند، و فارسیان به تشدید استعمال نمایند». بیت شاهد مثال از طغراست. (آندراج: ذیل کهار).

نواحی هند:

ز پیراهن خاصه نسد - - - - - ترن ر سد بوی خوش تا به مچلی پتن
(ص ۶۴)

مچلی پتن: «نام بندری از هندوستان است» بیت شاهد مثال از طغراست. (آندراج: ذیل مچلی پتن).
چو بیدر از آن باغ دارد ن شان
بود هر گایا هس ترنم ف شان
(همان)

بیدر: «نام ولایتی بوده در هند که دارالملک دکن حساب می‌شده» (آندراج: ذیل بیدر).
گرفتار سبز تلمنا کانهام
به گلا کنده از ع شق دیوانه‌ام
(ص ۵۵)

گلکنده: «نام شهری است به هندوستان از کرناتک در حدود حیدرآباد» (آندراج: ذیل گلکنده).
حصاری که در ملک کرناتک است
زیاد از کرور و فزون از ملک است
(ص ۲۵۳)

کرناتک: «نام شهری از ملک دکن» (آندراج: ذیل کرناتک).

۴.۲.۲. کاربرد فرهنگ عامه

از ویژگی‌های بارز سبک هندی کاربرد گسترده امثال سائره، لغات و ترکیبات عامیانه و نیز اشاره به آداب و رسوم و مشاهدات است، که گرچه صبغه ادبیت شعر را کاهش می‌دهد، آن را به ذوق و ادراک عامه نزدیک می‌کند و به‌ویژه از لحاظ مردم‌شناسی سودمند تواند بود؛ در شعر طغرا نیز این ویژگی در چند بعد قابل تأمل و بررسی است:

باورهای عامیانه:

شگون نیست بر دلخوشی روی تو (ص ۳۲)	طرب می‌گریزد ز پهلوی تو (ص ۳۲)
اگر چه شمشور است شیرین شود (ص ۳۸)	نگه چون از این میوه گلچین شود (ص ۳۸)

آداب و رسوم و بازی‌ها:

خزان را عنان‌گیر با شد بهار (ص ۳۴)	بر اسب‌حنا بسته چون شد سوار (ص ۳۴)
ر سد بر بلورین تنش صد شکست (ص ۱۹)	خورد گر به بازیچه یک روی دست (ص ۱۹)
فغان سرکنند چون قلندر ز شاخ (ص ۲)	به شوق درش قوچ این سبز کاخ (ص ۲)
زانبوه صنعت کسادی خفه (ص ۸۱)	دکان‌ها به آرایش گنج‌خفه (ص ۸۱)

کنایات، امثال و اصطلاحات عامیانه:

کند گل ز هر فرقه‌اش سرشخی (ص ۳۳۰)	بهشتی است کشمیر بر دوزخی (ص ۳۳۰)
--------------------------------------	-------------------------------------

ز گردن شخی‌های مینا چه غم که خواهد ملایم شد از زور نم
(ص ۳۶)

کله شخی: «در تداول عامه: کله شقی» (لغت‌نامه: ذیل کله شخی). سرشخی یا گردن شخی یافت نشد.
که گوید جز آیینه بر روی تو که بالای چشم است ابروی تو
(ص ۳۴)

صراحی بود کودک خوش نشین ندارد چه سان گریه در آستین
(ص ۳۷)

۵.۲.۲. کاربرد اصطلاحات علوم و فنون در ساقی‌نامه

حضور شاخص اصطلاحات علمی در شعر قدما، به‌ویژه در سده ششم سابقه دارد. این حضور محملی برای تصویرپردازی‌های شاعرانه آمیخته با صورخیال شده و به شاعر فرصت می‌دهد که گذشته از ابراز آگاهی خود از علوم زمان، اندیشه خود را نیز در قالب آنها بیان دارد، چنان که در سبک هندی انبوهی از اصطلاحات علمی، به‌ویژه در حوزه‌های موسیقی و خوشنویسی، مشاهده می‌شود که گردآوری و تحلیل آنها اطلاعات عصری ارزشمندی را فراهم می‌سازد. در ساقی‌نامه طغرا اصطلاحات علوم مختلف اغلب به‌صورت روشمند و دنباله‌دار آمده است و همچون تلمیحات او اغلب آمیخته با طبیعت و خیال‌انگیزند. این اصطلاحات در حوزه‌های نجوم، موسیقی، بافندگی، طب، خوشنویسی و نظامی قابل بررسی است، برای نمونه از اشارات طبی ساقی‌نامه:

بهار از طراوت دوا می‌دهد مریض خزان را شفا می‌دهد
چو گل تب کند از هواهای زشت ز شب‌نم خورلند به او شیرخشت
اگر سنبل از ضعف دل شد سقیم تداوی به عنبر کند از شهیم
چو از لرزه بید ست و پاگشت بید دهد برگ صبرش ز شاخ امید
(ص ۶)

۶.۲.۲. اندیشه‌های انتقادی پیرامون شعر

در پایان ساقی‌نامه، طغرا با بیان برخی نظرات انتقادی پیرامون شعر، به شکوه از هم‌روزگارش می‌پردازد که آن را می‌توان در شمار نقدالشعر قدما محسوب داشت؛ از جمله این که طغرا تأکید دارد که شاعر خوب، همواره نمی‌تواند منتقد خوبی، به‌ویژه در سنجش شعر خود، به شمار آید:

سخن چیرست فرزند دل‌بند خویش نبیند کسی عیب فرزند خویش
بر او باید از چشم اغیار دید که گردد عیوبش سراسر پدید
(ص ۸۳)

طغرا به جمعیت خاطر در سرودن «بیت تازه» معتقد است:

مگو شعر اگر خاطرت فاطراست که این فرع جمعیت خاطر است
اگر تازگی شد به بیتت دوچار شود یکه چون مصرع زلف یار
(همان)

خان آرزو به بدبینی و زبان‌گزنده طغرا در ارتباط با شاعران هم‌عصرش اشاره دارد: «او معنی یاب مقرر است و از این جهت دربند الفاظ بایسته و معانی تازه است و مذهب او این است که لفظ تازه چون معنی [تازه] صاحب دارد، با این همه زبان

گزنده‌ای داشت که شعرای عصر خود را بد یاد کرده و نسبت دزدی به آنها نموده...» و سپس بیتی از طغرا در هجو صائب و پاسخ ملا غنی کشمیری به او را نقل می‌کند (مجمع النفایس خطی، به نقل از راشدی، ج ۲: ۷۳۶).

چو مضمون بکری به من رو نمود	خورم غصه کاین را که خواهد ربود
گل باغ طبعم ز بیم درو	بود پیش فصل خموشی گرو
از آن پیش کاآید سخن بر لبم	زدست ربا ینده در یا ربم
دور هزن به هم کرده اند اتفاق	یکی از خرا سان یکی از عراق
کتابی که از بهر دارای هند	هر تب شد از گفته این دو رند
بود لفظ و مضمونش از دیگران	ندارند حقی چو کاتب در آن

(ص ۸۵)

خان آرزو این بیت ساقی‌نامه را با ضبط «دو دزدند کرده به هم اتفاق...» آورده و آن را به طریق کنایه قدسی و کلیم دانسته است (همان). در ابیات پسین این سوءظن به محترفه نیز می‌رسد:

ز بقال هوزون حذر کن حذر	که سنگش ز میزان بود قلب‌تر
مطاعی که نطقم گذارد به پیش	به دزدی که شد در ترازوی خویش
چوق صاب شاعر کند قصد فکر	بکن دل ز یک کلمه مضمون بکر
زدشت خیالم چو آید ره	به گرگی زند خویش را بر همه

(همان)

طغرا در این شهر آشوب گونه اصناف مختلف را به مضمون‌ربایی متهم می‌کند. گفتنی است این نقد یادآور گشوده شدن درهای شعر و شاعری به روی محترفه از عصر ایلخانی و به ویژه در روزگار صفوی است، چنان‌که پیشتر امیر علیشیر نوایی در بخشی از مجلس نهم مجالس النفایس با نام «لطایف سایر عوام» به شاعران بازاری همچون ملا صادق گلکار، ملا شاه محمد ابریشم کار و بسیاری دیگر پرداخته است. دکتر زرین کوب درباره انتقال شعر و شاعری به بازاریان معتقد است: «بسیاری از شاعران این عهد به همین سبب که شعرشان با طرز تفکر و شیوه بیان عوام نزدیک بوده است، شهرت عام یافته‌اند؛ غلبه ذوق عوام بر شعر و غزل در عین حال می‌بایست موجب رواج بی‌تمیزی در شناخت شعر و شیوع سرقات و بی‌بندوباری در نقل و اخذ لفظ و مضمون اشعار هم شده باشد» (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۳۸۳)، پس نگرانی طغرا چندان بی‌وجه نیست. گفتنی است طغرا رساله عبرت نامه / عبرنامه را که در واقع نامه‌ای است به مقیمای کاشانی، درباره مضمون‌هایی، که به زعم طغرا، نصیرای همدانی از ظهوری ترشیزی دزدیده، نگاشته است.

۳. نتیجه‌گیری

طغرای مشهدی از شاعران توانای سده یازدهم است که بخش اعظم زندگانی خود را در شبه قاره گذرانیده و از فرهنگ و زبان آن دیار در آثارش بهره برده است. او ساقی‌نامه‌ای در بحر متقارب و به تقلید از ساقی‌نامه ظهوری ترشیزی با حدود ده هزار بیت، به نام شاه عباس دوم سروده، که مفصل‌ترین ساقی‌نامه زبان فارسی به شمار می‌رود. طغرا در این ساقی‌نامه با کاربرد گسترده زبان هندی، فرهنگ عامه، و نیز اصطلاحات فنون مختلف، به ظرفیت‌هایی بدیع در تصویرآفرینی دست یافته، به‌ویژه که محمل آن طبیعت دلنشین شبه قاره و قوه خیال خود اوست. محتوای ساقی‌نامه طغرا بسیار متنوع است، از ستایش مفصل پیامبر و ائمه گرفته تا شهر آشوب و وصف آلات و نغمات موسیقی، و نکته‌سنجی‌هایی در نقد ادبی، هرچه به منظومه خیال

او راه می‌یافته به نظم کشیده، که البته گاه به تکرار نیز انجامیده است. طغرا در موارد متعدد یادآور می‌شود که ساقی‌نامه او ساقی‌نامه‌ای عرفانی است.

منابع

اعظمی، محمد اعظم شاه بن خیر الزمان (۱۳۰۳ق). *تاریخ کشمیر اعظمی*. لاهور: مطبعه محمدی.
اکبرآبادی، سراج الدین علی خان (۱۳۶۳). *چراغ هدایت (چاپ شده همراه با غیث اللغات)*. تصحیح منصور ثروت. تهران: امیرکبیر.
نوایی، امیر علیشیر (۱۳۶۳). *تذکره مجالس النفایس*. به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: منوچهری.
بلگرامی، میر غلامعلی آزاد (۱۹۱۳). *مآثر الکلام موسوم به سرو آزاد*. به سعی و تصحیح و حواشی عبدالله خان و به اهتمام مولوی عبدالحق صاحب. حیدرآباد دکن: کتبخانه آصفیه.

پادشاه، محمد (۱۳۶۳). *آندراج*. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. ۷ جلد. چاپ دوم. تهران: کتابفروشی خیام.
حائری، محمدحسن؛ صاحبی، سید محمد (۱۳۸۸). *طغرای مشهدی و رسائل او. تاریخ ادبیات*. ۳ (۶۳)، ۱۰۱-۱۲۴.
خوشگو، بنادر بن داس (۱۳۸۹). *سغینه خوشگو*. تصحیح سید کلیم اصغر. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
راشدی، حسام الدین (۱۳۴۶). *تذکره شعرای کشمیر*. کراچی: اقبال آکادمی.
ریاض رئیس، محمد (۱۳۵۴). *ملاطغرای مشهدی و رساله تجلیات وی در انشاء هنر و مردم*. ۱۲ (۱۵۱)، ۷-۱۳.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵). *سیری در شعر فارسی*. تهران: الهدی.
سرمدی، مجید؛ فیروزنیا، علی اصغر (۱۳۹۱). *طغرا، نسخه خطی او و شبه قاره. مطالعات شبه قاره*. ۴ (۱۰)، ۴۹-۷۴.
صاحبی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *سه رساله کوتاه از طغرای مشهدی*. گزارش میراث. ۲ (۳۷)، ۳۱-۳۶.
طغرای مشهدی، ساقی‌نامه، نسخه خطی شماره ۱۶۷۷۱ کتابخانه ملی.

طغرای مشهدی، کلیات، نسخه خطی شماره ۳۲۱ دیوان هند در لندن، تصویر کتابخانه دانشکده ادبیات دکتر شریعتی دانشگاه فردوسی.
طغرای مشهدی (۱۳۹۷). *رسائل طغرای مشهدی*. تصحیح سید محمد صاحبی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای

اسلامی

طغرای مشهدی (۱۳۸۴). *ارغوان زار شفق (برگزیده دیوان طغرای مشهدی)*. به انتخاب محمد قهرمان. تهران: امیرکبیر.
عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان (۱۳۹۱). *تذکره نشتر عشق*. تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. تهران: میراث مکتوب.
فیروزنیا، علی اصغر (۱۳۹۱). *تصحیح و تحقیق دیوان طغرای مشهدی*. رساله دکتری. دانشگاه پیام نور مرکز. تهران: ایران.
قاسمی نیا، سعید (۱۳۹۶). *اصطلاحات بدیع موسیقایی در شعر طغرای مشهدی، یکی از ویژگی‌های سبکی او*. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. ۱۰ (۳۶)، ۲۲۹-۲۴۷.

قرآن کریم.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۸). *تذکره پیمانہ*. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹). *کاروان هند*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۹). *تذکره نصرآبادی*. تصحیح احمد مدقق یزدی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
نفیسی، علی اکبر (۲۵۳۵). *فرهنگ ناظم الاطباء*. ۵ جلد. تهران: کتابفروشی خیام.

References

- Ashighi Azimabadi, H. Q. Kh. (2012). *Neshtar of Love Anthology*. Seyyed Kamal Haj Seyed Javadi (Ed.). Tehran: Miras Maktoob.
Akbarabadi, S. A. Kh. (1984). *Chirag Hedayat (Published Together with Ghiyath Al-Logat)*. Mansour Serwat (Td.). Tehran: Amir Kabir.

- Azami, M. A. Sh. Ibn Kh. Al-Z. (1885). *A'Zami's History of Kashmir*. Lahore: Mohammadi Press.
- Belgrami, M. Gh. A. A. (1913). *Maaser al-Kalam Known as Sarv Azad*. Abdullah Khan (Ed.). Maulavi Abdul Haq Saheb (Eff.). Heyderabad Deccan: Kotobkhaneh of Asefiyeh.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dictionary*. 2nd Edition. Tehran: Tehran University Press.
- Firouznia, A.A. (2019). *Proofreading and Research of Diwan Toghray Mashhadi*. Doctoral Dissertation. Payam Noor University. Center. Tehran. Iran.
- Ghaseminia, S. (2017). Innovative musical terms in the poetry of Toghray Mashhadi, one of his stylistic features. *Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*. 10 (36), 229-247.
- Golchin Ma'ani, A. (1989). *Anthology of Peymaneh*. Tehran: Sanai Library Publications.
- Golchin Ma'ani, A. (1990). *Caravan of India*. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Haeri, M.H. & Sahebi, S. M. (2008). Toghray Mashhadi and his letters. *History of Literature*. 3 (63), 101-124.
- Khoshgoo, B. Bin D. (2010). *Safineh of Khoshgoo*. Seyyed Kalim Asghar (Ed.). Tehran: Islamic Council Publications.
- Mashhadi. *Saqi-Nameh*. Manuscript No. 16771. National Library.
- Nafisi, A.A. (2535 Sh.). *Dictionary of Nazem Al-Ateba*. 5 Vols. Tehran: Khayyam bookstore.
- Nasrabadi, M. T. (2000). *Nasrabadi's Anthology*. Ahmad Modaqueq Yazdi (Corr.). Yazd: Yazd University Publications.
- Navaei, A.A. (1984). *Tazkireh of Majles al-Nafayes*. Ali Asghar Hekmat (Eff.). Tehran: Manouchehri.
- Sahebi, S. M. (2008). Three short treatises from Toghray Mashhadi. *Miras Maktoob Report*. 2 (37), 31-36.
- Padshah, M. (1984). *Ananderaj*. Mohammad Dabir Siaghi (Emend.). 7 Vols. 2nd Edition. Tehran: Khayyam bookstore.
- Rashidi, H.Al-Din (1967). *Anthology of Kashmir Poets*. Karachi: Iqbal Academy.
- Riaz Raisi, M. (1975). Muhll Toghray Mashhadi and his Tajaliyyat in composition. *Art and People*. 12 (151), 7-13.
- Sarmadi, M. & Firouznia, A.A. (2012). Toghray, His manuscript and the Subcontinent. *Studies of the Subcontinent*. 4 (10), 49-74.
- The Holy Quran*.
- Toghray Mashhadi. *The Collection*. Manuscript No. 321 of Diwan of India in London. Image from the Library of Dr. Shariati Faculty of Ferdowsi University.
- Toghray Mashhadi (2005). *Arghawanzar-e-Shafaq (Selected by Diwan Toghray Mashhadi)*. Mohammad Kahraman (Selec). Tehran: Amir Kabir.
- Toghray Mashhadi (2019). *The Letters of Toghray Mashhadi*. Seyyed Mohammad Sahebi Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Zarinkoob, A. H. (1996). *A Review in Persian Poetry*. Tehran: Al-Hadi.

نحوه ارجاع به مقاله:

مرتضوی بیستگانی، زهرا؛ نوریان، سیدمهدی؛ چترایی، مهرداد (۱۴۰۲). نقد و بررسی ساقی‌نامه طغرای مشهدی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۳

(۴۸)، ۲۳-۸:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

